

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

تحلیل حقوقی حاکمیت در اسلام

(عصر نبوی، علوی و حسنی (علیهم السلام))

دکتر فرید محسنی

(عضو هیئت علمی دانشگاه علوم قضائی)

محمدجواد خزائلی

(دانش آموخته دانشگاه امام صادق (علیه السلام))



انتشارات
دانشگاه امام صادق علیه السلام

عنوان: تحلیل حقوقی حاکمیت در اسلام (عصر نبوی، علوی و حسنی (علیه السلام))

مؤلف: دکتر فرید محسنی و محمدجواد خزانلی

ناشر: دانشگاه امام صادق علیه السلام

ویرایش ادبی، صفحه آرا و طراح جلد: محمد روشنی

نمایه ساز و ناظر نسخه برداری و چاپ: رضا دیبا

چاپ و صحافی: سپیدان تهران

چاپ اول: ۱۳۹۶

قیمت: ۲۲۰/۰۰۰ ریال

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۵۹۲-۵

تهران: بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام

صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵ • کد پستی: ۱۴۶۵۹۴۳۶۸۱ • تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲

فروشگاه اینترنتی: www.ketabesadiq.ir • E-mail: press@isu.ac.ir

سرشناسه: محسنی، فرید، ۱۳۴۴-

عنوان و نام پدیدآور: تحلیل حقوقی حاکمیت در اسلام (عصر نبوی، علوی و حسنی (علیه السلام)) / تألیف:

فرید محسنی و محمدجواد خزانلی.

مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۳۵۶ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۵۹۲-۵

موضوع: اسلام و دولت -- تاریخ -- از آغاز تا ۵۰ق.

موضوع: اسلام -- تاریخ -- از آغاز تا ۵۰ق.

موضوع: اسلام و سیاست -- تاریخ -- از آغاز تا ۵۰ق.

موضوع: اسلام و حقوق

موضوع: رهبری -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام

موضوع: فقه جعفری -- قرن ۱۴

شناسه افزوده: خزانلی، محمدجواد، ۱۳۶۵-

شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)

رده‌بندی کنگره: ۳۳۱ ۳۳۱ ۱۳۹۶

رده‌بندی دیوینی: ۲۹۷/۴۸۳۲

شماره کتابشناسی ملی: ۴۸۷۸۰۵۵

تمام حقوق محفوظ است، هیچ بخشی از این کتاب بدون اجازه مکتوب ناشر قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا و انتقال در فضای مجازی نمی‌باشد.
این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

فهرست مطالب

.....	سخن ناشر	۹
.....	مقدمه	۱۱
.....	بخش نخست: کلیات و مبانی نظری (مبادی تصویری و تصدیقی)	۲۱
.....	فصل نخست: حاکمیت؛ چیستی، انواع و ابعاد حقوقی	۲۳
.....	مبحث نخست: چیستی حاکمیت و حدود ارتباط آن با دولت	۲۴
.....	گفتار نخست: واژه‌شناسی لغوی «حاکم» و «حاکمیت»	۲۴
.....	بند نخست: واژه‌شناسی انگلیسی	۲۴
.....	بند دوم: واژه‌شناسی معادل فارسی و عربی	۲۶
.....	گفتار دوم: تعریف حاکمیت و حاکم در اصطلاح حقوق اساسی	۲۹
.....	بند نخست: حاکمیت: وصف و ویژگی برتری و استقلال، در ارتباط با قدرت سیاسی	۳۰
.....	بند دوم: حاکمیت: وصفی در ارتباط با قدرت سیاسی نهادی (اقتدار)	۳۳
.....	بند سوم: حاکمیت: وصفی در ارتباط با قدرت عملی و مادی مردم	۴۶
.....	بند چهارم: حاکمیت: وصفی در ارتباط با داخل و خارج قلمرو حکومت	۴۹
.....	بند پنجم: تعریف حاکمیت	۵۰
.....	گفتار سوم: نکات تکمیلی در تبیین چیستی حاکم و حاکمیت	۵۱
.....	بند نخست: جایگاه مفهوم «حاکم» در تعریف «حاکمیت»	۵۱
.....	بند دوم: حاکمیت؛ مفهومی مربوط به روابط انسان‌ها با یکدیگر	۵۱
.....	گفتار چهارم: رابطه حاکمیت با دولت (دولت مدرن)؛ مطالعه‌ای تاریخی در دو مفهوم دولت و حاکمیت	۵۳
.....	بند نخست: چیستی دولت مدرن	۵۷
.....	بند دوم: تحول معانی حاکمیت در سیر اندیشه‌های سیاسی (تاریخچه مفهوم حاکمیت)	۶۱
.....	بند سوم (نتیجه): عدم تلازم دوطرفه بین دو مفهوم حاکمیت و دولت	۶۳
.....	مبحث دوم: انواع حاکمیت و تفکیک ابعاد حقوقی و سیاسی آن	۶۶
.....	گفتار نخست: انواع حاکمیت	۶۷

بند نخست: حاکمیت اسمی و حاکمیت واقعی	۶۷
بند دوم: حاکمیت حقوقی و حاکمیت سیاسی (عملی)	۶۷
گفتار دوم: تفکیک ابعاد حقوقی حاکمیت از ابعاد سیاسی آن	۷۰
بند نخست: جایگاه حاکمیت، با توجه به «موضوع» دو علم سیاست و حقوق اساسی	۷۰
بند دوم: جایگاه حاکمیت، با توجه به «غایت» دو علم سیاست و حقوق اساسی	۷۶
بند سوم: جزئیات تحلیل حقوقی و تحلیل سیاسی از حاکمیت (حقوق و سیاست در مفهوم حاکمیت)	۷۹
فصل دوم: نظریه عمومی حاکمیت از دیدگاه امامیه؛ پیش فرض ها، مقدمات و نتایج	۸۳
مبحث نخست: پیش فرض های حاکم بر نظریه حاکمیت از دیدگاه امامیه	۸۵
گفتار نخست: مبادی هستی شناختی (جهان بینی) در رویکرد امامیه به حاکمیت	۸۸
بند نخست: مبادی توحیدی	۸۹
بند دوم: مبادی مربوط به حکمت بالغه و عدل الهی	۹۳
بند سوم: مبادی مربوط به جهان آخرت	۹۵
گفتار دوم: مبادی انسان شناختی در رویکرد امامیه به حاکمیت	۹۶
بند نخست: مبادی مربوط به برخی از صفات انسان	۹۶
بند دوم: مبادی مربوط به هدف آفرینش و زندگی انسان	۹۷
مبحث دوم: مراحل مقدماتی پنجگانه در استخراج نظریه حاکمیت از دیدگاه امامیه	۹۹
گفتار نخست: ضرورت وجود حکومت و حاکمیت	۹۹
بند نخست: دلایل عقلی مبنی بر ضرورت حاکمیت	۱۰۰
بند دوم: دلایل نقلی مبنی بر ضرورت حاکمیت	۱۱۷
گفتار دوم: علم، عدل و قدرت؛ سه ویژگی لازم برای حاکم	۱۲۵
گفتار سوم: خداوند؛ دارای بیشترین علم، عدالت و قدرت	۱۳۰
گفتار چهارم: خداوند؛ یگانه ذات دارای ولایت تکوینی و تشریعی	۱۳۰
گفتار پنجم: منزّه بودن خدا از مباشرت و تصرف محسوس در امور انسان ها	۱۳۱
مبحث سوم: نتایج نهایی در نظریه عمومی حاکمیت از دیدگاه امامیه (تعیین حاکمی از جنس بشر و با حداکثر ویژگی ها؛ اقتضای لطف، رعایت اصلح و عنایت خدا)	۱۳۳
گفتار نخست: تعیین حاکم، اقتضای لطف خداوند	۱۳۶
بند نخست: لطف و وجوب آن از جانب خداوند	۱۳۶
بند دوم: تعیین حاکم؛ مصداقی از لطف	۱۳۹
گفتار دوم: تعیین حاکم؛ اقتضای عنایت خداوند	۱۴۲
بند نخست: مفهوم عنایت	۱۴۲
بند دوم: تعیین حاکم؛ مصداقی از عنایت	۱۴۴
گفتار سوم: تعیین حاکم؛ اقتضای رعایت اصلح از سوی خداوند	۱۴۵
بند نخست: مفهوم اصلح	۱۴۵
بند دوم: تعیین حاکم؛ مصداقی از رعایت اصلح	۱۴۷
مبحث چهارم: ایرادها و پاسخ ها	۱۴۹
گفتار نخست: عدم لزوم این حد از ویژگی ها برای حاکم	۱۵۰
گفتار دوم: ناظر بودن استدلال مذکور بر اثبات نبوت و امامت (نه حاکمیت)	۱۵۱
گفتار سوم: صالح بودن خود مردم برای تعیین حاکم	۱۵۶

بخش دوم: تحلیل حقوقی از روش‌های شکل‌گیری حاکمیت از ظهور اسلام تا آغاز عصر اموی (تا پایان حکومت امام حسن (علیه السلام))	۱۶۱
فصل نخست: حاکمیت در حکومت پیامبر اکرم (علیه السلام)	۱۶۳
مبحث نخست: رخداد‌های منتهی به شکل‌گیری عملی حاکمیت پیامبر اکرم (علیه السلام)	۱۶۳
مبحث دوم: جایگاه اذن و تعیین الهی در حاکمیت پیامبر اکرم (علیه السلام)	۱۷۳
گفتار نخست: حاکمیت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در آیات قرآن کریم	۱۷۵
بند نخست: حاکمیت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در آیه اولی الامر	۱۷۵
بند دوم: حاکمیت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در آیه اخذ	۱۷۷
بند سوم: حاکمیت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در آیه اولویت	۱۷۷
بند چهارم: حاکمیت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در آیه تحکیم	۱۷۸
گفتار دوم: اخبار از حاکمیت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در روایات معصومین (علیهم السلام)	۱۸۱
بند نخست: حاکمیت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در روایات «تفویض»	۱۸۱
بند دوم: حاکمیت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در روایات «امامت»	۱۸۶
گفتار سوم: حاکمیت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بر مبنای حکم عقل و اجماع	۱۸۹
برآیند فصل نخست (استخراج و ارزیابی حقوقی از الگوی استقرار حاکمیت پیامبر (صلی الله علیه و آله))	۱۹۴
فصل دوم: حاکمیت در حکومت ابوبکر	۱۹۹
مبحث نخست: رخداد‌های منتهی به شکل‌گیری عملی حاکمیت ابوبکر	۱۹۹
مبحث دوم: جایگاه اذن و تعیین الهی در حاکمیت ابوبکر	۲۰۶
گفتار نخست: مستندات اصحاب سقیفه پیرامون تعیین ابوبکر به حاکمیت از جانب پیامبر (صلی الله علیه و آله)	۲۰۶
بند نخست: حدیث «الأئمة من قریش»	۲۰۷
بند دوم: واگذاری اقامه نماز به ابوبکر از سوی رسول خدا (صلی الله علیه و آله)	۲۱۱
گفتار دوم: مستندات علمای اهل سنت پیرامون تعیین ابوبکر به حاکمیت از جانب خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله)	۲۱۴
بند نخست: ادعای نص بر ابوبکر در آیات قرآن کریم	۲۱۴
بند دوم: ادعای نص بر ابوبکر در سنت رسول خدا (صلی الله علیه و آله)	۲۱۶
برآیند فصل دوم (استخراج و ارزیابی حقوقی از الگوی استقرار حاکمیت ابوبکر)	۲۲۲
فصل سوم: حاکمیت در حکومت عمر	۲۲۹
مبحث نخست: رخداد‌های منتهی به شکل‌گیری عملی حاکمیت عمر	۲۲۹
مبحث دوم: جایگاه اذن و تعیین الهی در حاکمیت عمر	۲۳۰
برآیند فصل سوم (استخراج و ارزیابی حقوقی از الگوی استقرار حاکمیت عمر)	۲۳۲
فصل چهارم: حاکمیت در حکومت عثمان	۲۳۳
مبحث نخست: رخداد‌های منتهی به شکل‌گیری عملی حاکمیت عثمان	۲۳۳
مبحث دوم: جایگاه اذن و تعیین الهی در حاکمیت عثمان	۲۴۱
برآیند فصل چهارم (استخراج و ارزیابی حقوقی از الگوی استقرار حاکمیت عثمان)	۲۴۱
فصل پنجم: حاکمیت در حکومت امیرالمؤمنین امام علی (علیه السلام)	۲۴۷
مبحث نخست: رخداد‌های منتهی به شکل‌گیری عملی حاکمیت امام علی (علیه السلام)	۲۴۷
مبحث دوم: جایگاه اذن و تعیین الهی در حاکمیت امام علی (علیه السلام)	۲۵۱

۸ □ تحلیل حقوقی حاکمیت در اسلام (عصر نبوی، علوی و حسنی (علیه السلام))

۲۵۲	گفتار نخست: حاکمیت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در آیات قرآن کریم.....
۲۵۳	بند نخست: حاکمیت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در آیه ولایت
۲۵۴	بند دوم: حاکمیت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در آیه مباحله
۲۵۵	بند سوم: حاکمیت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در آیه امامت
۲۵۶	گفتار دوم: حاکمیت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در سنت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)
۲۵۶	بند نخست: حاکمیت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در حدیث يوم الإنذار
۲۵۸	بند دوم: حاکمیت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در حدیث منزلت
۲۵۹	بند سوم: حاکمیت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در حدیث بُریده
۲۶۱	بند چهارم: حاکمیت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در جریان حجة الوداع و غدیر
۲۶۹	گفتار سوم: حاکمیت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) بر مبنای حکم عقل و اجماع
۲۷۰	گفتار چهارم: نصوص تکمیلی در تبیین جایگاه خدا، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و مردم در حاکمیت امام علی (علیه السلام) ...
۲۷۰	بند نخست: عدم دخالت نظر شخصی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در نصب امام علی (علیه السلام)
۲۷۲	بند دوم: نصوص گویای نصب مردمی و غیرالهی حضرت علی (علیه السلام) و توجیه آن ها
۲۸۴	برآیند فصل پنجم (استخراج و ارزیابی حقوقی از الگوی استقرار حاکمیت امام علی (علیه السلام))
۲۸۹	فصل ششم: حاکمیت در حکومت امام حسن مجتبی (علیه السلام)
۲۸۹	مبحث نخست: رخدادهای منتهی به شکل گیری عملی حاکمیت امام حسن (علیه السلام)
۲۹۱	مبحث دوم: جایگاه اذن و تعیین الهی در حاکمیت امام حسن (علیه السلام)
۲۹۱	گفتار نخست: حاکمیت امام حسن (علیه السلام) در آیات قرآن کریم
۲۹۲	گفتار دوم: حاکمیت امام حسن (علیه السلام) در روایات
۲۹۵	گفتار سوم: حاکمیت امام حسن (علیه السلام) بر مبنای حکم عقل و اجماع
۲۹۵	گفتار چهارم: نصوص و نقل های گویای عدم نصب الهی امام حسن (علیه السلام) و توجیه آن ها
۳۰۲	برآیند فصل ششم (استخراج و ارزیابی حقوقی از الگوی استقرار حاکمیت امام حسن (علیه السلام))
۳۰۵	نتیجه گیری
۳۱۹	کتابنامه
۳۴۳	نمایه

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَ سُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ

(قرآن کریم، سوره مبارکه النمل، آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر

فلسفه وجودی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) که از سوی ریاست فقید دانشگاه به کرات مورد توجه قرار گرفته، تربیت نیروی انسانی‌ای متعهد، باتقوا و کارآمد در عرصه عمل و نظر است تا از این طریق دانشگاه بتواند نقش اساسی خود را در سطح راهبردی به انجام رساند.

از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می‌یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می‌سازد.

از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهرمندی از نتایج آنهاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی — پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق (علیه السلام) در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای ملی و بین‌المللی

قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیانگذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتکاء به تأییدات الهی و تلاش همه‌جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آن‌ها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آنها است تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت مکتب علمی امام صادق (علیه‌السلام) را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت (ان شاء الله).

ولله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه

مقدمه

«حاکمیت» مهم‌ترین بحث در حقوق اساسی است که مشروعیت نظام سیاسی را مورد بررسی قرار می‌دهد و سایر مباحث از جمله ساختار حکومت و حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی بر محور آن شکل می‌گیرد. این موضوع مهم که با اعتقادات، جهان‌بینی و دیدگاه افراد ارتباط تنگاتنگ دارد، از جهات مختلف در سایر علوم نظیر علوم سیاسی مورد بحث قرار می‌گیرد. اساساً شیوه تعریف حاکمیت، منشأ و شیوه استقرار آن مبنا و منبعی برای تبیین هنجارها و بایدها و نبایدهای اجتماعی و تقنینی است و «نظریه حاکمیت»، «نظریه دولت» یا «دکترین حاکمیت» در نظام‌ها و رویکردهای حقوقی گوناگون بر اساس آن شکل می‌گیرد.^۱

نظریه حاکمیت، یک معیار عام برای حاکمیت است که هر نظام و رویکرد حقوقی بر اساس رویکرد خاص خود، آن را همچون یک آیین‌نامه تعیین کرده است؛ یعنی نوعی «حکم» است که حاکمیت هر حاکمی در مصداق باید منطبق بر آن باشد. و به تعبیر دیگر تراز و یا ترازویی برای سنجش و ارزیابی حاکمیت می‌باشد.

نظام حقوق اسلامی با رویکرد امامیه نیز مثل هر نظام دیگری ضوابط حقوقی خاصی را برای حاکمیت و استقرار آن تعریف کرده و آن را به‌طور عمومی و حکمی در مورد حاکمیت همه حاکمان، لازم‌الاجرا می‌داند و حق و صلاحیت حقوقی برای حاکمیت را تنها در این قالب، تعریف شده می‌داند. به عبارت دیگر نظریه حاکمیت در حقوق اساسی امامیه معیار و تراز

۱. برای ایجاد یک «نظریه»، باید برخی مفاهیم را در کنار هم نهاده و با رویکرد یا رهیافت یا قرائت (Approach) خاصی که انتخاب و اتخاذ می‌شود، این مفاهیم را به یکدیگر مرتبط کرده، به آن‌ها نظم داد و در یک کلام، بین آن‌ها وحدت نظری ایجاد کرد. حاصل این جمع‌بندی منظم بین مفاهیم، یک نظریه خواهد بود که نحوه چیش و ارتباط بین مفاهیم در این نظریه را همان رویکرد تعیین می‌کند. برای مطالعه بیشتر در این زمینه، نک: محمدجواد جاوید، روش تحقیق در علم حقوق؛ به زبان ساده، مخاطب، چاپ نخست، تهران، ۱۳۹۱، صص ۲۵ تا ۲۷ و ۳۲ و ۳۳.

برای بررسی مصداقی حاکمیت در ادوار مختلف به وسعت تاریخ می‌باشد. سیره معصومین (علیهم السلام) منبعی ارزشمند برای استخراج مبانی صحیح در امور مختلف از جمله حاکمیت است و در این کتاب تلاش شده برهه‌ای از تاریخ اسلام از زمان استقرار حاکمیت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) تا پایان حاکمیت امام حسن (علیه السلام) با این نگاه مورد بحث قرار گیرد. بر این اساس پرسش اصلی در پژوهش حاضر این است که:

اولاً، حاکمانی که از ظهور اسلام تا آغاز عصر اموی (پایان حکومت امام حسن (علیه السلام)) حاکم بودند، تحت چه الگو، نظریه و دکترینی به حاکمیت رسیدند؟
و ثانیاً، این الگوها تا چه حد با نظریه عمومی حاکمیت از دیدگاه حقوق اساسی امامیه تطبیق می‌کند؟

پاسخ به این پرسش‌ها مترتب بر آن است که مشخص گردد:
اولاً، تعریف حاکمیت چیست و انواع و ابعاد حقوقی آن کدامند؟
ثانیاً، در حقوق اساسی امامیه، نظریه عمومی حاکمیت در حقوق اساسی امامیه چیست و حق و صلاحیت بر حاکمیت مبتنی بر چه قواعد و ضوابطی است؟
بنابراین هدف از این پژوهش آن است که «حاکمیت» در یک بازه زمانی از ظهور اسلام تا عصر اموی (از حکومت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) تا پایان حکومت امام حسن (علیه السلام)) بر مبنای دیدگاه امامیه مورد تحلیل حقوقی قرار گیرد. به این منظور ابتدا به تبیین ماهیت و انواع حاکمیت و تمیز ابعاد حقوقی حاکمیت از ابعاد سیاسی آن پرداخته می‌شود تا در ادامه، بررسی مصداقی در بازه زمانی مذکور، منحصر به تحلیل حقوقی شود و پس از آن ضابطه معیار کلی لازم برای استقرار حاکمیت مورد بحث قرار می‌گیرد.

از دیگر موضوعات مورد بحث متغیرها و فرضیه‌های تحقیق^۱ است. «حاکمیت از ظهور اسلام تا عصر اموی از دیدگاه حقوق اساسی امامیه» محور پرسش اصلی تحقیق و «متغیر

۱. متغیرهای هر تحقیقی مجموعه امور مرتبط یا تأثیرگذار و یا به نوعی مربوط به پاسخ پرسش تحقیق هستند و در تعبیر دیگر، متغیرها، «پاسخ‌های محتمل» در ارتباط با پرسش تحقیق هستند. معمولاً رابطه این پاسخ‌ها با پرسش، یعنی چگونگی و چرایی پاسخ‌بودن آن‌ها برای آن پرسش، با یک رابطه علی و معلولی بیان می‌شود. اما این رابطه علی و معلولی بین پرسش و پاسخ‌های تحقیق بر دو گونه ممکن است: بر حسب موضوع، عنوان و مسئله تحقیق، پاسخ‌ها گاهی به مثابه زمینه‌ساز و عامل مؤثر در تحقق موضوع، و یا عامل موجب فهم و ادراک چرایی و چگونگی مسئله تحقیق، و یا عامل تحلیل‌کننده، توجیه‌ساز و ارزیابی‌کننده مسئله تحقیق و..... هستند و به‌طور کلی با قدری مسامحه و وسعت نظر می‌توان گفت در چنین مواردی، پاسخ، به منزله «علت» در ارتباط با پرسش خواهد بود. در مقابل، گاهی آن پاسخ‌ها به منزله یک «معلول» و پیامد است که پرسش تحقیق در پی آن است. در هر دو حال، همان‌طور که گفته شد بین پرسش تحقیق و پاسخ‌های محتمل آن نوعی رابطه علیت وجود دارد که در این رابطه، معلول (اعم از اینکه پرسش باشد یا پاسخ)، تابع و وابسته به علت است. در روش تحقیق همواره به طرف علت، «متغیر مستقل» و به طرف معلول نیز که وابسته به معلول و پیامد آن است، «متغیر وابسته» گفته می‌شود (مثل دو عنوان «متغیر» و «تابع» در ریاضیات یا همان علت و معلول در منطق).

وابسته» آن است و پاسخ‌های محتمل در قبال آن نیز «متغیرهای مستقل»ی در مقام تحلیل و ارزیابی مسئله و پرسش تحقیق هستند.^۱

در مورد برخی از پاسخ‌های احتمالی (متغیرهای مستقل) در قبال سؤال تحقیق که بتواند به عنوان فرضیه مورد ارزیابی قرار گیرد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد و البته پاسخ صحیح در پایان تحقیق و در نتیجه‌گیری به دست خواهد آمد:

۱. حق حاکمیت در مورد پیامبر اکرم (ﷺ)، امام علی و امام حسن (علیه‌السلام) با اذن و تعیین الهی ایجاد شد و سپس استقرار عینی آن نیز با پذیرش داوطلبانه مردم صورت گرفت؛ اما حاکمیت در مورد خلفای سه‌گانه (ابوبکر، عمر و عثمان) بدون اذن الهی و بعضاً با اکراه و اجبار بر مردم مستقر شد. از سوی دیگر حقوق اساسی امامیه نیز اعطای حق حاکمیت را منحصرأ در صلاحیت خدا می‌داند که البته در مقام عمل، عینیت‌یافتن و تحقق این حاکمیت منوط به پذیرش و اقبال داوطلبانه مردم است. در نتیجه با این مبنا حاکمیت پیامبر اکرم (ﷺ)، امام علی و امام حسن (علیه‌السلام) منطبق بر قواعد حقوق اساسی امامیه در باب حاکمیت است، ولی حاکمیت خلفای سه‌گانه با این مبنا مطابق نبوده و مشروعیت حقوقی ندارد.

۲. حق حاکمیت از خود پیامبر اکرم (ﷺ) گرفته تا امام حسن (علیه‌السلام) به همان ترتیبی که عملاً در تاریخ اتفاق افتاد، با اذن و نصب الهی بود و در همه موارد نیز مردم آن حاکمیت‌ها را پذیرفتند. حقوق اساسی امامیه نیز اعطای حق حاکمیت را منحصرأ در صلاحیت خدا می‌داند که البته در مقام عمل، عینیت‌یافتن و تحقق این حاکمیت منوط به پذیرش و اقبال داوطلبانه مردم است. در نتیجه با این مبنا حاکمیت در تمام این بازه زمانی (از ظهور اسلام تا عصر اموی) منطبق بر قواعد حقوق اساسی امامیه در امر حاکمیت بوده و حاکمیت همه حاکمان این مقطع، از مشروعیت حقوقی برخوردار است.

۳. در مورد پیامبر اکرم (ﷺ)، امام علی و امام حسن (علیه‌السلام)، حق حاکمیت با ملحق شدن خواست و انتخاب مردم به اذن و تعیین الهی ایجاد شد؛ یعنی اذن و تعیین الهی به ضمیمه انتخاب مردم، به‌طور هم‌عرض و توأمان، حق حاکمیت را در این حاکمان به وجود آورد. اما حاکمیت در مورد خلفای سه‌گانه (ابوبکر، عمر و عثمان) بدون اذن الهی و بعضاً با اکراه و اجبار بر مردم مستقر شد. از سوی دیگر حقوق اساسی امامیه نیز اعطای حق حاکمیت را به‌طور عرضی در اختیار خدا و مردم می‌داند؛ به‌گونه‌ای که تا انتخاب مردم نباشد، حق حاکمیت برای حاکم ایجاد نمی‌شود. در نتیجه با این مبنا حاکمیت پیامبر اکرم (ﷺ)، امام علی و امام حسن (علیه‌السلام)

۱. البته باید گفت رابطه علیت بین پرسش تحقیق و پاسخ‌های محتمل، بیشتر در مورد علوم تجربی و نیز علوم برهانی وجود دارد و در علوم اجتماعی و اعتباری، رابطه علیت دقیق بین پرسش و پاسخ‌های تحقیق، وجود ندارد. در اینجا نیز بیشتر به جهت رعایت ساختار مرسوم در روش تحقیق، سعی شده است رابطه بین پرسش تحقیق و پاسخ‌های محتمل آن به نحوی تحلیل شود که نزدیک به رابطه علیت باشد.

منطبق بر قواعد حقوق اساسی امامیه در باب حاکمیت است، ولی حاکمیت خلفای سه گانه با این مبنا مطابق نبوده و مشروعیت حقوقی ندارد.

۴. حق حاکمیت در مورد پیامبر اکرم (ﷺ) با اذن و تعیین الهی ایجاد شد و سپس استقرار عینی آن نیز با پذیرش داوطلبانه مردم صورت گرفت؛ اما پس از ایشان امر حاکمیت و هرگونه تصمیم گیری در مورد آن به خود مردم واگذار شد و جماعت مردم اقدام به انتخاب حاکمان کردند. از سوی دیگر حقوق اساسی امامیه نیز به جز حاکمیت رسول خدا (ﷺ) اعطای حق حاکمیت را در مورد سایر حاکمان، در اختیار خود مسلمانان می داند. در نتیجه با این مبنا حاکمیت در تمام بازه زمانی این پژوهش (از ظهور اسلام تا عصر اموی) منطبق بر قواعد حقوق اساسی امامیه در امر حاکمیت بوده و حاکمیت همه حاکمان این مقطع، از مشروعیت حقوقی برخوردار است.

۵. حق حاکمیت در مورد پیامبر اکرم (ﷺ) با اذن و تعیین الهی ایجاد شد و سپس استقرار عینی آن نیز با پذیرش داوطلبانه مردم صورت گرفت، اما پس از رسول خدا (ﷺ) خلفای سه گانه با اکراه و اجبار به جمع قابل توجهی از مردم به حاکمیت رسیدند و مردم آزادانه این سه حاکم را به این مقام نرساندند. در مقابل، حاکمیت امام علی و امام حسن (علیه السلام) کاملاً بر مبنای طوع و رغبت و نظر مردم بود. از سوی دیگر حقوق اساسی امامیه نیز به جز حاکمیت رسول خدا (ﷺ) اعطای حق حاکمیت را در مورد سایر حاکمان، در اختیار خود مسلمانان می داند. در نتیجه با این مبنا حاکمیت پیامبر اکرم (ﷺ)، امام علی و امام حسن (علیه السلام) منطبق بر قواعد حقوق اساسی امامیه در باب حاکمیت است، ولی حاکمیت خلفای سه گانه با این مبنا مطابق نبوده و مشروعیت حقوقی ندارد.

۶. حق حاکمیت در مورد پیامبر اکرم (ﷺ)، امام علی و امام حسن (علیه السلام) با اذن و تعیین الهی ایجاد شد، اما حاکمیت در مورد خلفای سه گانه (ابوبکر، عمر و عثمان) بدون اذن الهی مستقر شد. از سوی دیگر حقوق اساسی امامیه نیز اعطای حق حاکمیت را منحصرأ در صلاحیت خدا می داند و امر دیگری مثل حضور و پذیرش مردم را در تحقق و فعلیت یافتن یا عینیت یافتن آن دخیل نمی داند. در نتیجه با این مبنا حاکمیت پیامبر اکرم (ﷺ)، امام علی و امام حسن (علیه السلام) منطبق بر قواعد حقوق اساسی امامیه در باب حاکمیت است، ولی حاکمیت خلفای سه گانه با این مبنا مطابق نبوده و مشروعیت حقوقی ندارد.

موارد بالا شش مورد از پاسخ های احتمالی مربوط به پرسش تحقیق بود که تحت عنوان متغیرهای مستقل ذکر شد. طبعاً در بادی امر ممکن است چنین تشخیص داده شود که یکی از این متغیرها یا عوامل، بهتر و صحیح تر می تواند پاسخ پرسش تحقیق را داده و حاکمیت را در آن مقطع تاریخی، بر مبنای دیدگاه امامیه، تحلیل و ارزیابی کند. طبعاً پاسخ و متغیر مذکور،

فرضیه این تحقیق خواهد بود.^۱

در تحقیق حاضر از آنجا که «پاسخ نخست» پاسخ مناسب‌تری برای تحقیق به نظر می‌رسد لذا به عنوان فرضیه انتخاب می‌گردد و در طول پژوهش مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در مورد ماهیت، نوع و ویژگی تحقیق حاضر باید گفت که این پژوهش از لحاظ ماهیت موضوع و پرسش تحقیق، توصیفی و در عین حال، تبیینی (تحلیلی) است.^۲ از جهت توصیفی بنا بر آن است که صرفاً رخدادهای تاریخی توصیف گردند و در مورد هر حاکم، الگو و شیوه استقرار حاکمیت استخراج گردد. و از جهت تحلیلی تلاش بر این است که الگوی استقرار حاکمیت هر حاکم بر مبنای الگو و معیار حاکمیت در حقوق اساسی امامیه مورد سنجش و ارزیابی قرار گیرد. به عبارت دیگر، ذکر رخدادها در این تحقیق صرفاً تشریح رخدادها و به اصطلاح، «تاریخ نقلی» نیست، بلکه پس از تشریح کامل به تحلیل و ارزیابی نیز پرداخته می‌شود که می‌توان به آن عنوان «تاریخ تحلیلی» داد.

پژوهش انجام شده در این کتاب از نوع بنیادین نظری است. بنیادین است، چرا که بر یک موضوع پایه که مربوط به مسائل کلان جامعه است نظر دارد؛ و نظری است، زیرا در آن اطلاعات و مواد اولیه تحقیق به روش کتابخانه‌ای گردآوری می‌شود.

بازه زمانی تحقیق از آغاز حکومت پیامبر اکرم (ﷺ) تا پایان حکومت امام حسن (ﷺ) (تقریباً از آستانه هجرت رسول خدا (ﷺ) تا سال ۴۱ ه.ق.) می‌باشد. دلیل انتخاب این بازه زمانی برای مطالعه این است که از دیرباز و از همان زمان وفات رسول خدا (ﷺ) بحث صلاحیت و حق بر حاکمیت، امامت و خلافت میان مسلمانان جاری شد و تاکنون با ادبیات مختلف و به ویژه ادبیات کلامی و تاریخی در مورد آن سخن گفته شده است. مثلاً متکلمان و نیز مورخان امامیه سعی کرده‌اند با استدلال‌های کلامی و تاریخی حقانیت و صلاحیت امیرالمؤمنین (ﷺ) و عدم صلاحیت خلفای سه‌گانه (ابوبکر، عمر و عثمان) را به اثبات برسانند. اما این موضوع، کمتر با بیان حقوقی ذکر شده است. در این کتاب تلاش گردیده معیار حقوقی حاکمیت از دیدگاه امامیه استخراج و تبیین گردد و سپس حاکمیت در زمان حاکمان مذکور مورد ارزیابی قرار گیرد.

۱. توضیح اینکه هر پژوهشگری پاسخ‌های احتمالی را برای پرسش تحقیق خود در نظر می‌گیرد. سپس یکی از آن‌ها را که مناسب‌تر می‌داند، به عنوان پاسخ فرضی و اصطلاحاً فرضیه در نظر گرفته و در طول تحقیق به آزمون آن می‌پردازد. در مقابل، سایر پاسخ‌ها نیز فرضیه‌های رقیب هستند که در صورت رد فرضیه اصلی، باید مورد آزمون واقع شوند.

۲. هر پژوهشی از جهات مختلف به انواع گوناگونی تقسیم می‌شود: با توجه به ماهیت موضوع تحقیق، پژوهش ممکن است اکتشافی، توصیفی و یا تبیینی باشد؛ براساس نتایج و کارکردها می‌تواند بنیادین، توسعه‌ای و یا کاربردی باشد؛ بر مبنای جنس داده‌ها و اطلاعات ممکن است کمی و یا کیفی باشد. با توجه به مکان نیز یک تحقیق می‌تواند کتابخانه‌ای و یا میدانی باشد؛ از نظر زمان نیز یک تحقیق ممکن است تاریخی - مقطعی، تاریخی - ادواری و یا آرشیوی - اسنادی باشد.

علاوه بر این، حاکمیت در زمان خود رسول خدا (ﷺ) و نیز زمان حکومت امام حسن (علیه السلام) نیز به دامنه زمانی این تحقیق افزوده شد؛ زمان رسول خدا (ﷺ) از این جهت که بتوان در مقایسه‌ای به روش مقبول شیعه و سنی، حاکمیت در زمان آن حضرت را معیار ارزیابی حاکمیت در زمان خلفای پس از آن حضرت قرار داد. زمان حضرت امام حسن (علیه السلام) نیز به بررسی‌های این پژوهش افزوده شد؛ به این دلیل که نقطه ثقل در تفاوت دیدگاه امامیه و عامه مربوط به معیارهای حاکمیتی و حدود صلاحیت امیرالمؤمنین امام علی (علیه السلام) بر حاکمیت است و بنابراین جای بررسی دارد که خود آن حضرت چه معیاری را برای تعیین حاکم پس از خود و در نتیجه در مورد حاکمیت امام حسن (علیه السلام) اتخاذ کرده‌اند.

هدف از این تألیف بیان حقوقی دیدگاه اسلام به ویژه امامیه در باب حاکمیت، ولایت و سرپرستی مردم به ویژه از نگاه توحیدی است. موضوع مهمی که در تبیین حقوقی منبع و منشأ حاکمیت کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. و در این میان نگاه منحصر به فرد و بی‌بدیل امامیه که نتیجه آن اثبات حقوقی مطالبی است که قبلاً علمای امامیه در برخی علوم مثل کلام و اعتقادات به اثبات آن پرداخته‌اند و منتج به اثبات حقانیت حقوقی حاکمیت برای امیرالمؤمنین امام علی (علیه السلام) از طریق تطبیق با معیار مستدل و مستند امامیه و همچنین از طریق تطبیق و الگوبرداری از حکومت رسول خدا (ﷺ) می‌گردد و در عین حال مثبت این فرضیه است که خود امام علی (علیه السلام) برای حاکمیت پس از خود از الگوی امامیه پیروی نموده‌اند.

ضرورت و فایده این پژوهش این است که متأسفانه در جامعه حقوقی کشور، گذشته از فقر ادبیات حقوق عمومی، به‌طور مضاعف در مبانی حقوق عمومی اسلامی و به‌طور خاص در زمینه تاریخ حقوق عمومی و اساسی اسلامی از جمله از نگاه امامیه، گستره پژوهش‌های صورت گرفته بسیار اندک و به تبع آن سطحی است. این در حالی است که در ادبیات حقوقی غرب، کتاب‌های مفصل و مختصر زیادی در ارتباط با تاریخ حقوق و نیز تاریخ نظریه‌ها و تئوری‌های حقوقی در غرب به رشته تحریر در آمده است که در قسمت‌های مهمی از این کتاب‌ها سرفصل‌ها، مفاهیم و تئوری‌های حقوق اساسی و عمومی در تاریخ حقوق، از زمان‌های پیش از میلاد تا سده‌های اخیر مورد کنکاش و تحلیل عمیق قرار گرفته است.^۱ در نتیجه در ادبیات حقوقی کشور ما به عنوان کشوری با هویت اسلامی - ایرانی نیز لازم است «تاریخ تئوری و نظریه حقوقی» و به‌طور خاص، «تاریخ تئوری حقوق عمومی و اساسی در تاریخ اسلام و ایران به ویژه مبتنی بر تاریخ امامیه، مورد استخراج، تحلیل و ارزیابی قرار گیرد. این دسته پژوهش‌ها مخصوصاً از جهت اتصال زنجیره حقوقی از گذشته تاکنون، تبارشناسی

۱. برای نمونه، نک. جان کلی، تاریخ مختصر تئوری حقوقی در غرب، ترجمه: محمد راسخ، طرح نو، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۸ ش.

مفاهیم و نظریه‌های حقوقی و ارزیابی حاکمیت در برخی مقاطع تاریخی، بسیار لازم و ضروری است. پژوهش حاضر می‌تواند چنین سودی را داشته باشد که گام‌هایی را در غنای ادبیات بحث در تاریخ نظریات حقوق اساسی اسلامی برداشته و تاریخ تئوری حقوق اساسی در اسلام و مشرق‌زمین را روشن‌تر از پیش در مقابل پژوهشگران بعدی قرار دهد. امید است این تألیف موجب گردد تا علاقه و تمایل مضاعفی در دانشجویان حقوق عمومی و پژوهشگران مطالعات اسلامی ایجاد شود و بیش از پیش به موضوعات بنیادین و به ویژه موضوعات مربوط به حوزه حقوق عمومی اسلامی، توجه گردد.

از دیگر فوائد این تحقیق آن است که با تبیین مبانی نظری حاکمیت از دیدگاه امامیه از زوایای مختلف اشکال دیگر حاکمیت و ولایت از جمله ولایت فقیه در عصر غیبت امام عصر (عج) قابل تبیین می‌گردد. چرا که به‌طور کاملاً عینی و با بررسی اشکال مختلف حاکمیت در دولت صدر اسلام، معیار استقرار حاکمیت را از نگاه امامیه تبیین می‌سازد و همچنین الگوی استقرار حاکمیت معصومین (ع) را استخراج می‌کند که می‌تواند در الگوی حاکمیت در ولایت فقیه، به عنوان سنگ بنا و مفروض استدلال‌های بعدی قرار گیرد. مخصوصاً اینکه در این تحقیق بنا بر این است که معیار حاکمیت یا همان نظریه حاکمیت به نحو «عمومی» و «عام‌الشمول» استخراج شود و منحصر به زمان حضور معصومین (ع) نباشد.

از دیگر نتایج، پیامدها و کارکردها در بررسی این مسئله این است که در صورت اثبات فرضیه آن، باب جدیدی برای احتجاج با اهل تسنن باز می‌شود و می‌توان با معیارها و اصطلاحات حقوقی که دانشمندان روز، اعم از مسلمان و غیرمسلمان نیز با آن آشنا هستند، نظریه حاکمیت را از دیدگاه حقوق اساسی امامیه تشریح کرد و سپس حاکمیت حاکمان بازه زمانی مذکور را بر مبنای آن، مورد ارزیابی قرار داد. لازم به توضیح است که اساساً موضوع «امامت» و «ولایت» یکی از مهم‌ترین سرفصل‌های مهم علم کلام است. از دیدگاه امامیه مسئله «امامت» قرابت زیادی با ولایت و حاکمیت دارد و لذا هم در مفهوم‌شناسی و هم در نظریه‌پردازی پیرامون حاکمیت کاربرد دارد. به همین لحاظ نظریه عمومی حاکمیت صبغه کلامی زیادی دارد و اساساً مُشعر به این واقعیت است که در دیدگاه امامیه، حاکمیت تا حد زیادی برخاسته از مبادی و مبانی کلامی است. البته در حکمت و فلسفه نیز ریشه‌های بحث حاکمیت به ویژه در استدلال‌های ضرورت نبوت و امامت به چشم می‌خورد که با وحدت ملاک و اتخاذ معیار، قابل تطبیق و استنباط می‌باشد. در این نوشته نیز در قسمتی از مبانی نظری حاکمیت از این مبانی عقلی استفاده خواهد شد.

در تاریخ اسلام عمده مباحث مرتبط با حاکمیت، ادامه همان مباحث کلامی و در ارتباط با موضوع «امامت» است؛ با این تفاوت که در کلام، پژوهشگران در پی معرفی معیار مورد قبول برای امامت هستند، ولی در تاریخ اسلام در پی شرح و تحلیل رخدادهای سیاسی اسلام

از جمله حاکمیت در دوره‌های مختلف هستند.

در دو علم تفسیر و حدیث نیز دانشمندان بر مبنای آیات قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم‌السلام) در پی استخراج معیاری برای حاکمیت و امامت بوده‌اند و همچنین به‌طور مصداقی در مورد برخی از حاکمیت‌ها مثل حاکمیت پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) نیز به بحث در حوزه این دو علم پرداخته‌اند.

در حوزه فقه حکومت نیز باید‌ها و نبایدها و اصطلاحاً آن دسته از احکام فقهی که در ارتباط با رابطه حکومت و مردم است، مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این حوزه نیز در عین بررسی‌های مفهوم‌شناختی و معادل‌یابی برای حاکمیت در لسان فقهی، به استخراج نظریه، معیار و دکرترین مورد قبول فقه امامیه در ارتباط با ولایت پرداخته شده است. از جمله آثار در این زمینه می‌توان به کتاب‌های ولایت فقیه از امام خمینی (ره) و دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الإسلامية از آیت‌الله منتظری و نیز الولاية الإلهية الإسلامية أو الحكومة الإسلامية از آیت‌الله مؤمن اشاره کرد.

دیگر اثر فقهی قابل توجه، کتاب المکاسب از شیخ انصاری است که هرچند کتاب فقه حکومت به شمار نمی‌آید، ولی در ذیل بحث از اولیاء عقد و پیش از ورود به ولایت فقیه، سخن از انواع معانی ولایت و نیز ولایت معصومین (علیهم‌السلام) بحث نموده است. طبعاً شرح‌ها و حاشیه‌های دیگر علما مثل آخوند خراسانی، محقق اصفهانی، صاحب عروة، آیت‌الله خوئی و... نیز در این زمینه مفید خواهد بود.

مطالب بالا جمع‌بندی مختصری از پیشینه تحقیق در حوزه علوم غیر از حقوق و علوم سیاسی بود و به جهت عدم ارتباط مستقیم با موضوع این کتاب، صرفاً به ذکر سرفصل‌ها اکتفا شد؛ اما در زمینه پیشینه و ادبیات حقوقی و سیاسی در حوزه مفهوم حاکمیت، نظریات و دکرترین‌های حاکمیت، به ویژه در دیدگاه امامیه و در نهایت حاکمیت در دوره تاریخی قلمرو این تحقیق باید گفت متأسفانه به‌طور کلی ادبیات تحقیق در این زمینه‌ها فقیر و ضعیف است؛ مخصوصاً در ارتباط با نظریه حاکمیت از دیدگاه امامیه و ارزیابی حقوقی از حاکمیت در دوره تاریخی مذکور که شاید منابع موجود به سه یا پنج مورد نرسد. البته در ارتباط با مفهوم‌شناسی حاکمیت و برخی از نظریات و دکرترین‌های مربوط به آن، تحقیق بیشتری شده و منابع خارجی نیز در این زمینه موجود است.

ساختار این کتاب به این ترتیب است که در بخش نخست (کلیات و مبانی نظری) در قالب دو فصل، اولاً در پی تبیین چیستی، انواع و ابعاد حقوقی حاکمیت خواهیم بود و ثانیاً با استدلال‌های متقن عقلی و نقلی، نظریه عمومی و اندیشه معیار امامیه در باب حاکمیت را استخراج خواهیم کرد. در بخش دوم نیز به عنوان بررسی اصلی، به تفکیک در مورد هر حاکم ابتدا رخداد‌های منتهی به حاکمیت او را استخراج می‌کنیم و بر مبنای آن رخدادها، الگو و معیار

به حاکمیت رسیدن وی را استخراج می‌کنیم؛ سپس بر طبق مبنایی که در بخش نخست در ارتباط با معیار عمومی حاکمیت به دست آورده‌ایم به تحلیل و ارزیابی الگوهای حاکمیت در مورد هر یک از آن حاکمان خواهیم پرداخت.

در پایان جا دارد از همه کسانی که به نحوی در شکل‌گیری این اثر نقش مؤثری داشته‌اند به ویژه آقایان: آیت‌الله سید حسن سعادت مصطفوی، حجت‌الاسلام و المسلمین محمدعلی خزائلی و دکتر محسن اسماعیلی که با مشاوره خود بر غنای مطالب افزودند و نیز دانشکده معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) و نیز معاونت پژوهشی آن دانشگاه تشکر و قدردانی نمائیم. امید است که این اثر بتواند به لطف خداوند متعال گامی کوچک در معرفی هر چه بیشتر فرهنگ غنی تشیع در زمینه‌های مختلف علمی به ویژه حقوق عمومی به شمار آید.

دکتر فرید محسنی - محمد جواد خزائلی

پاییز ۱۳۹۶

